



## مشاور حقوقی

قسمت اعظم ساختمان‌ها و تأسیسات احداثی آن‌ها محرمانه بوده و شهرداری نباید از آن مطلع باشد و بر احداث آن‌ها نظارت داشته باشد. در این جا می‌بایست نیروهای مسلح، بر، کف، میزان، متراژ ساختمان احداثی را به شهرداری اعلام تا شهرداری بتواند عوارض متعلقه را محاسبه نماید و پس از اخذ پروانه صادر نماید. وانگهی تا این تاریخ نگارنده در هیچ جایی از قوانین، مقررات، بخش نامه‌ها و مکاتبات موجود دستوری از مقام معظم رهبری دائر بر معافیت نیروهای مسلح از پرداخت عوارض مشاهده نکرده است.

● با توجه به این که شخص مالک یک قطعه زمین به مساحت ۲۳۱ مترمربع با کاربری مسکونی دارای برگ واگذاری از سوی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (متولی طرح‌های روستایی) بوده و هم‌اکنون برابر طرح‌های شهری مقدار ۵/۹۲ متر مربع از زمین مذکور در مسیر اجرای خیابان می‌باشد و در حال حاضر شخص مورد نظر قصد دارد در زمین باقی مانده احداث بنا نماید از طرفی ارزش معاملاتی روز هر مترمربع زمین در موقعیت مذکور ۲۴۰۰۰۰ ریال ارزیابی و با توجه به نازل بودن قیمت منطقه‌ای مصوب کمیسیون ماده ۶۴ قانون مالیات‌های مستقیم عوارضات صدور جواز ساختمانی با کاربری مسکونی در مرغوب‌ترین موقعیت شهر هر مترمربع ۸۵۰۰ ریال می‌باشد. لطفاً در خصوص نحوه عمل در رابطه با تملک آن قسمت از زمین واقع در مسیر اجرای خیابان یاد شده و صدور جواز ساخت این شهرداری را راهنمایی و ارشاد فرمایید.

○ در پاسخ به این شهردار محترم باید عرض نمایم که مسائل معنونه در سؤال فوق ارتباطی با تملک املاک واقع در مسیر طرح ندارد. آن چه شهرداری می‌بایست در تملک ملک

● با توجه به بروز اختلافاتی در خصوص ساخت و سازهای نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی در مورد مجوز صدور پروانه در محدوده و حریم شهرها از شهرداری‌ها و تأکید مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا در مورد الزام نیروهای مسلح به اخذ پروانه و رعایت ضوابط شهرسازی از شهرداری‌ها، لطفاً بررسی و اعلام نظر فرمایید آیا نیروهای مسلح ملزم به اخذ پروانه و رعایت ضوابط شهرسازی هستند یا خیر؟

○ همانطور که می‌دانید مطابق قسمت صدر ماده صد قانون شهرداری «مالکین اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم آن باید قبل از هر اقدام عمرانی یا تفکیک و شروع ساختمان از شهرداری پروانه اخذ نمایند»، تبصره ۴ ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری «وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و مؤسسات خیریه برای ایجاد ساختمان مؤسسات خود مکلف به دریافت پروانه ساختمان از شهرداری و رعایت ماده صد قانون اصلاحی شهرداری مصوب سال ۱۳۴۵ و سایر مقررات مذکور در قانون شهرداری‌ها و این قانون راجع به ایجاد بنا می‌باشد.»؛ بنابراین در اقدام به هر گونه اقدام عمرانی، ساخت و ساز و تفکیک اصل بر این است که مالکان اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی (حقوقی حقوق عمومی و حقوقی حقوق خصوصی) باید از شهرداری پروانه اخذ نمایند، مگر این که خلاف آن در قانون ذکر شده باشد. از آن جا که نیروهای مسلح از این مقوله مستثنی نشده‌اند، لذا می‌بایست اولاً برای احداث ساختمان و تأسیسات از شهرداری پروانه اخذ نمایند. ثانیاً ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری را نیز می‌بایست رعایت نمایند. نکته مهم این است که نیروهای مسلح اعلام می‌نمایند که



در اجرای تبصره یک ماده ۵ قانون تجمیع عوارض، بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری را موظف به پرداخت یک درصد درآمد قطعی شده مشمول مالیات به شهرداری (به عنوان عوارض) نموده و عوارض یاد شده مورد اعتراض واقع نگردیده و قطعی شده است؛ لذا تا زمانی که عوارض موصوف لغو نگردیده بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری واقع در حوزه شهر می‌بایست آن را پرداخت نمایند و در صورت امتناع از پرداخت آن می‌بایست پرونده در کمیسیون ماده ۷۷ مطرح و مطابق رأی آن اقدام گردد.

● احتراماً به استحضار می‌رساند در این شهر از سال ۱۳۸۲ اقدام به راه اندازی و تأسیس شهرداری گردید و قبل از تأسیس شهرداری به عنوان دهستان جزء تقسیمات کشوری بوده و دارای شورای اسلامی روستا؛ سپس شورای شهر گردیده است. حالیه سؤال شهرداری این است که زمان روستا بودن، شورای اسلامی روستا و جهاد کشاورزی اقدام به واگذاری اراضی به مردم کرده اند؛ سپس پس از تأسیس شهرداری شورای اسلامی شهر اراضی بلا صاحب را طی صورت مجلسی به افراد واگذار نموده اند و چون واگذاری‌های فوق هیچ گونه استناد قانونی ندارد و در وظایف شوراهای صدر الذکر نیز نگارش نشده و اکنون نیز بعضاً شهروندان جهت دریافت پروانه و یا تفکیک و غیره به شهرداری مراجعه می‌نمایند سؤال این است که تکلیف شهرداری چیست؟ آیا واگذاری‌ها و جاهت قانونی دارد یا خیر؟ شهرداری چگونه باید عمل کند؟

○ ۱- شورای اسلامی شهر و شورای اسلامی روستا حق واگذاری اراضی بلا صاحب را به اشخاص ندارند. به عبارت دیگر مطابق ماده ۲۸ قانون مدنی: «اموال مجهول المالك با اذن حاکم یا مأذون از قبل او به مصرف فقرا می‌رسد.»

بنابراین شورا در صورتی مجاز به این اقدام می‌باشد که دارای اذن از مقام معظم رهبری می‌باشد. ۲- شهرداری در مقابل تقاضای افرادی که اراضی موصوف به آنها واگذار شده است می‌بایست از آنها خواستار ارائه سند مالکیت شود و پس از ارائه سند مالکیت برای آنها پروانه صادر نماید.

● با توجه به این که تأسیسات ایران گردی و جهان گردی از نظر پرداخت عوارض مشمول تعرفه بخش صنایع می‌باشند، بسیاری از مراکز تفریحی مدعی می‌شوند که در زمره تأسیسات مزبور می‌باشند، لطفاً در خصوص نحوه تشخیص و تعیین این مراکز اعلام نظر نمایید.

○ طبق ماده ۱ آیین نامه ایجاد، اصلاح، تکمیل، درجه بندی و نرخ گذاری تأسیسات ایران گردی و جهان گردی و نظارت بر فعالیت آنها، تأسیسات ایران گردی واحدهایی هستند که به قصد ارائه خدمات و انتفاع برای پذیرایی و اقامت مسافران یا مهمانان مطابق مقررات تأسیس شده یا می‌شوند که مصادیق آنها عبارت اند از ۱- مهمان خانه (هتل) ۲- مهمان سرا ۳- زائر سرا ۴- مثل ۵- پانسیون ۶- اقامت گاه جوانان ۷- اردوگاه

مورد نظر بدان توجه نماید قوانین مربوط به تملک املاک واقع در مسیر طرح است که عبارتند از: لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب، قانون نحوه تقویم اینیه و املاک و اراضی مورد نیاز شهرداری‌ها مصوب ۱۳۷۰، قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۷ و قانون شهرداری.

بنابر مقررات یاد شده شهرداری می‌بایست ابتدا از طریق مذاکره با مالک و توافق با وی اقدام به خرید ملک واقع در مسیر طرح نماید و اگر مذاکره و توافق به نتیجه‌ای نرسید از طریق هیأت کارشناسی (یک کارشناس به انتخاب شهرداری، یک کارشناس به انتخاب مالک و یک کارشناس مرض الطرفین) قیمت آن قسمت از ملک را که در طرح تعریض خیابان قرار دارد را تعیین و آن را به مالک پرداخت و سپس تملک نماید. از آن جا که اعلام شده است مالک متقاضی اخذ مجوز احداث بنا در مابقی ملک می‌باشد؛ لذا شهرداری می‌تواند عوارض‌های قانونی مربوط به صدور پروانه ساختمانی را محاسبه و به میزان آن با بدهی مربوط به خرید قسمتی از ملک که در طرح تعریض قرار دارد، تهاتر نماید. نکته مهم و قابل توجه در اینجا این است که تهاتر می‌بایست به تصویب و تأیید شورای اسلامی شهر برسد.

● شورای اسلامی شهر در مصوبه‌های مستند به تبصره یک ماده ۵ قانون اصلاح مواردی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض از کالاهای تولیدی، ارائه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب سال ۱۳۸۱، بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری را به پرداخت یک درصد از درآمد قطعی شده مشمول مالیات به شهرداری نموده است و عوارض مذکور در اجرای ماده ۷۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراها و شورای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مورد اعتراض واقع نشده و قطعی شده است. ولی بانکها و مؤسسات اعتباری واقع در حوزه شهر از پرداخت عوارض موصوف امتناع ورزیده و بدون ذکر مستندات قانونی آن را مغایر با مقررات می‌دانند. ضمناً قبلاً نیز مطابق مصوبه شماره ۱۱۷۱۹/۱/۳/۳۴ مورخ ۱۳۷۴/۷/۵ وزیر محترم کشور تعرفه عوارض مشاغل (یک درصد عوارض کسب و پیشه) تصویب شده و برای اجرا به سراسر کشور ابلاغ شده است. با عنایت به توضیحات فوق لطفاً در خصوص نحوه اقدام، این شهرداری را راهنمایی فرمایید.

○ مقدمتاً باید عرض نمایم از زمانی که تعرفه عوارض یک درصد کسب و پیشه مطابق بند الف ماده ۳۰ قانون تنظیمی بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۷۳ به تصویب رسید، وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری با اخذ عوارض مذکور از بانکها مخالفت نموده و به همین علت تعرفه مذکور در خصوص بانکها اجرایی نگردید. از نظر حقوقی با عنایت با این که شورای اسلامی شهر



ایران گردی و جهان گردی ۸- تأسیسات ساحلی ۹- تأسیسات حمام‌های آب معدنی ۱۰- رستوران درون واحدهای اقامتی فوق‌الذکر ۱۱- واحدهای پذیرایی داخل فرودگاه‌ها و ترمینال‌های مسافری، در صورتی که تأسیسات مورد بحث از مصادیق فوق باشند، در تعریف حقوقی تأسیسات ایران گردی و جهان گردی قرار گرفته و وفق ماده ۸ قانون توسعه صنعت ایران گردی و جهان گردی و ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور، منظم به دفاتر خدمات مسافری و تأسیسات مشابه و ...

از نظر پرداخت عوارض صدور پرداخت عوارض صدور پروانه ساختمانی مشمول تعرفه بخش صنایع می‌باشند. در صورت تشکیک در وضعیت قانونی تأسیسات ایران گردی و جهان گردی، دفاتر خدمات مسافرتی و تأسیسات مشابه، با لحاظ ماده ۷ قانون توسعه صنعت ایرانگردی و جهانگردی در خصوص صدور مجوز تأسیس و ایجاد این مراکز، موضوع از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ( اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان) قابل پیگیری می‌باشد.



### رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر ابطال بند الف- ۱ و تذکر ۶ مصوبه شماره ۱۷۷۴ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۸ شورای اسلامی شهر کرمان

تاریخ: ۱۳۸۴/۴/۵

شماره دادنامه: ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۴۶

کلاس پرونده: ۵۶۱/۸۳، ۵۸۸/۸۲، ۱۷۴/۸۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاک: ۱- آقای فتح اله مؤیدی ۲- آقای محمد دهش ۳- آقای سید حمید جوادی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال دستورالعمل شماره ۱۷۷۴ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۸ شورای اسلامی شهر کرمان.

مقدمه: شکایت به شرح دادخواست‌های تقدیمی اعلام داشته اند، طبق قانون لایحه نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ و ماده واحده قانون نحوه تقویم ابنیه، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداری‌ها مصوب ۱۳۷۰، شیوه تملک اراضی وسیله شهرداری مشخص و معین گردیده است. شهرداری کرمان براساس مصوب شورای اسلامی شهر کرمان که طی نامه شماره ۱۷۷۴ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۸ ابلاغ شده است در کلیه موارد مراجعه شهروندان به شهرداری برای اخذ مجوز اعم از جواز کسب استعمال وام، پاسخ دفتر خانه، اخذ پروانه ساختمان، اخذ عدم خلاف، تفکیک اراضی و املاک در محدوده خدماتی شهر کرمان تقاضای مترائ قابل توجهی از عرصه ملک مورد تقاضا را به عنوان درصد تأسیسات شهری می‌نماید که به موجب قسمت الف- ۱ دستورالعمل مورد شکایت میزان و مقدار آن از ۶ درصد تا ۲۹ درصد از ۱۰۰ درصد مترائ عرصه ملک را شامل می‌گردد و همچنین در تذکر ۶ در صفحه چهارم دستورالعمل مورد شکایت آمده است «به طور کلی هنگام تفکیک سهم شهرداری بایستی در قالب قطعاتی از ملک دریافت گردد. در صورتی که تأمین سهم شهرداری به دلیل کوچک بودن مساحت ملک سهم شهرداری (املاک حد نصاب) میسر نباشد در قالب وجه و بر مبنای قیمت کارشناسی روز تقویم و محاسبه خواهد گردید.» با عنایت به احکام بیع در قانون مدنی و رساله امام خمینی (ره) که خرید و فروش املاک بایستی اختیاری و در کمال آزادی و رغبت انجام پذیرد و در غیر این صورت از موارد غصب به حساب خواهد آمد و این که در موازین اسلام و قوانین جاری اخذ مجانی نداریم و اقدام مذکور در حدود صلاحیت و وظایف شورای اسلامی شهر مندرج در ماده ۷۱ قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شورای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب ۱۳۷۵ نمی‌باشد، خواستار ابطال بند الف- ۱ و تذکر ۶ از دستورالعمل شماره ۱۷۷۴ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۸ شورای اسلامی شهر کرمان به لحاظ مغایرت با قانون، خروج از حدود اختیارات و مخالفت با موازین شرعی می‌باشیم. شورای اسلامی شهر کرمان و شهرداری کرمان در لوایح جوابیه شماره ۲۵۶۸۵ مورخ ۱۳۸۲/۷/۳، ۳۵۸۵۷ مورخ ۱۳۸۰/۹/۱۳۲ و ۱۵۳۴۳ مورخ ۱۳۸۳/۴/۱۵ اعلام داشته اند، مسئولیت تثبیت و تأمین فضاهای عمومی در محدوده هر شهر براساس نقشه‌های مصوب جامع و تفصیلی از بدو تشکیل شهرها بر عهده شهرداری می‌باشد که در قوانین و مقررات شهرداری برای تأمین این گونه فضاها قواعدی پیش بینی شده است از جمله ماده ۱۰۱ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ لیکن علیرغم وجود این مقررات عده‌ای از مالکین و گاهی افراد سودجو و فرصت طلب بدون مستند دال بر مالکیت اراضی بدون مراجعه به شهرداری و برای گریز از قوانین و مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری اقدام به تفکیک اراضی خود نموده و قطعات تفکیکی را با قول نامه عادی به فروش می‌رسانند و صدور سند مالکیت به این قبیل قطعات به دلیل این که ممکن است در داخل طرح‌های عمرانی و مغایر طرح تفصیلی قرار گرفته باشند صحیح نبوده و نهایتاً باعث بروز اختلاف مابین خریداران و مجریان طرح‌های مصوب شهری می‌گردد، برابر ضوابط طرح‌های تفصیلی کلیه مالکین می‌بایست در زمان تفکیک به عنوان خدمات شهری درصدی از اراضی خود را در اختیار شهرداری قرار دهند. شهرداری‌ها در برخورد با این مسأله و به منظور تأمین بخشی



از فضای عمومی از این قطعات درصدی به عنوان درصد تأسیسات شهری اخذ می‌نمایند و جهت تأمین فضاهای عمومی هزینه می‌گردد. با عنایت به مراتب فوق مصوبه شورای اسلامی شهر کرمان در راستای اهداف قانونگذار بوده و برخلاف نظر شاکي از حیثه اختیارات قانونی شورای شهر خارج نمی‌باشد که در این خصوص به بند ۱۶ از ماده ۷۱ قانون تشکیل شوراهای اسلامی استناد می‌نماید به این شرح «تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود از وظایف شوراهای می‌باشد.» لذا اعمال عوارض مربوط به تأسیسات شهری در هنگام تفکیک اراضی که متضمن ارزش افزوده قابل توجه برای مالکین می‌باشد امر بدیهی و منطقی است که حسب مورد با توجه به استقرار موقعیت محلی ملک به میزان و متر از ملک، عوارض متعلقه از ۶ درصد تا ۲۹ درصد قابل اعمال است. علی‌الوجه استدعای رد دادخواست خواهان را دارد. دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن موارد شکایت طی نامه شماره ۱۳۸۴/۳/۱۹ مورخ ۱۳۸۴/۳/۱۹ اعلام داشته‌اند، موضوع بند الف- ۱ و تذکر ۶ مصوبه شماره ۱۷۷۴ مورخ ۱۳۸۰/۸/۲۷ شورای اسلامی شهر کرمان در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۳/۱۸ فقهای محترم شورای نگهبان مطرح شد که خلاف موازین شرع شناخته نشد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

### رأی هیأت عمومی

الف - نظر به این که فقهای شورای نگهبان مصوبه شورای اسلامی شهر کرمان را به شرح نامه شماره ۱۳۸۴/۳/۱۹ مورخ ۱۳۸۴/۳/۱۹ در قسمت مورد اعتراض مغایر احکام شرع اعلام نداشته‌اند موجهی برای ابطال آن در اجرای قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری وجود ندارد. ب - با عنایت به این که تأمین نیازمندی‌های شهرداری‌ها به استفاده از اراضی و املاک اشخاص به منظور ایجاد تأسیسات عمومی شهری به حکم قوانین مربوط از جمله لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ و قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۷ جز در موارد مصرح در قانون مستلزم تملک اراضی و املاک مورد نیاز براساس قوانین مربوط است و تملک رایگان اراضی اشخاص و یا دریافت بهاء آنها به منظور تأمین تأسیسات عمومی شهری در ازاء موافقت با تفکیک اراضی مذکور با اعتبار مالکیت مشروع و اصل تسلیط به شرح اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مقررات قانونی مدنی در این باب منافات دارد، بنابراین بند الف-۱ و تذکر ۶ از مصوبه شماره ۱۷۷۴ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۸ شورای اسلامی شهر کرمان مغایر قانون تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضائی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

رأی شماره ۱۷۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر عدم صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به اعتراض نسبت به آراء صادره از هیأت مستشاری دیوان محاسبات

تاریخ: ۱۳۸۶/۳/۲۰

شماره دادنامه: ۱۷۰

کلاس پرونده: ۲۶۴/۸۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکي: سرپرست دفتر حقوقی و امور مجلس دیوان محاسبات کشور.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۲، ۴، ۶، ۱۷ و ۲۰ بدوی و سوم تجدید نظر دیوان عدالت اداری. مقدمه: الف- ۱- شعبه هجدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۶۲۳/۸۲ موضوع شکایت آقای مظفر بهرامی به طرفیت، هیأت مستشاری دوم دیوان محاسبات کشور به خواسته اعتراض به رأی مورخ ۱۳۸۲/۸/۱۸ دیوان محاسبات کشور به شرح دادنامه شماره ۲۶۱۶ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۵ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه رأی مورد شکایت توسط حاکم شرع منصوب از طرف ریاست قوه قضاییه صادر گردیده و تبصره ۲ بند ۳ ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری آراء و تصمیمات صادره از ناحیه مقامات قضایی را قابل اعتراض در دیوان ندانسته، فلذا شکایت معنونه را غیر وارد تشخیص و قرار رد آن صادر می‌گردد. الف- ۲- شعبه سوم تجدید نظر در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۵۹/۸۳ موضوع تقاضای تجدیدنظر آقای مظفر بهرامی نسبت به دادنامه شماره ۲۶۱۶



مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۵ به شرح دادنامه شماره ۱۸ مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۲ چنین رأی صادر نموده است، شاکی اشعار داشته، تخلفات مصرحه در رأی هیأت دوم مستشاری دیوان محاسبات که موجبات محکومیت وی گردیده از جمله برداشت‌های حساب مربوط به طرح‌های آماده سازی سازمان ملی زمین و مسکن کردستان در سنوات مورد بحث تحت تصدی وی نبوده لیکن مرجع مذکور این شکایت را قابل طرح و رسیدگی در دیوان عدالت اداری ندانسته با التفات به منطوق مواد ۱۶ و ۱۹ قانون و مقررات دیوان محاسبات کشور رأی مبحوث عنه از ناحیه هیأت سه نفر مستشاری اصدار یافته که با کیفیت مطروحه قطعیت یافته تلقی می‌شود نه رأی موضوع ماده ۲۸ قانون مارالذکر که از ناحیه حاکم شرع دیوان محاسبات صادر شده باشد که مورد شکایت مشمول بند ۲ ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری بوده و تأکید ماده ۲۵ و تبصره ۲ ماده ۲۸ قانون دیوان محاسبات در ارسال پرونده‌هایی که واجد اوصاف جزایی است به مرجع قضایی دادگستری حکایت از قابلیت شکایت آراء هیأت مذکور در دیوان عدالت اداری می‌باشد بنابراین با رد ایراد معنونه از ناحیه اداره حقوقی مرجع یاد شده و احراز صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به این شکایات در خصوص ماهیت شکایت مطروحه ... ضمن فسخ دادنامه بدوی حکم به ورود شکایت شاکی و رسیدگی به موضوع در هیأت هم عرض مستشاری دیوان محاسبات کشور اعلام می‌دارد. ب - شعبه دوم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۴۶۹/۷۹ موضوع شکایت آقای محمد نیک‌بخت به طرفیت، دیوان محاسبات کشور به خواسته اعتراض به رأی مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱ هیأت مستشاری به شرح دادنامه شماره ۲۱۱۳ مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۶ با توجه به ماده ۲۸ قانون دیوان محاسبات و به استناد ماده ۲۱ آیین دادرسی دیوان عدالت اداری قرار رد شکایت را صادر و اعلام نموده است. ج - شعبه ششم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۱۹۵/۷۹ موضوع شکایت آقای سید حسن امیری به طرفیت، دیوان محاسبات کشور به خواسته نقض رأی به شرح دادنامه شماره ۱۲۱۱ مورخ ۱۳۸۰/۷/۱۲ موضوع خواسته را خارج از شمول ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری دانسته و قرار رد خواسته شاکی را صادر نموده است. د - شعبه هفدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۳۳۱/۸۰ موضوع شکایت آقای محمود جعفری به طرفیت دیوان محاسبات کشور به خواسته ابطال رأی شماره ۲/۱۴۲۶ مورخ ۱۳۷۷/۴/۲۰ هیأت مستشاری به شرح دادنامه شماره ۱۱۲۷ مورخ ۱۳۸۰/۷/۱۷ با توجه به اینکه رسیدگی به اعتراض به آراء صادره از هیأت‌های مستشاری در صلاحیت هیأت تجدید نظر می‌باشد و در رأی هیأت تجدید نظر یک نفر قاضی منتخب ریاست قوه قضاییه قرار دارد، بنابراین رسیدگی به شکایت را خارج از حدود صلاحیت دیوان عدالت اداری تشخیص و قرار رد شکایت را صادر نموده‌اند. ه - شعبه بیستم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۵۱۹/۸۳ موضوع شکایت آقای علیرضا قدیری به طرفیت، دادرسی دیوان محاسبات به خواسته اعتراض به رأی مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۶ به شرح دادنامه شماره ۲۹۸۶ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۳ و با توجه به تبصره یک ماده ۲۸ قانون دیوان محاسبات کشور که مرجع رسیدگی را حاکم شرع منتخب شورای قضایی اعلام نموده حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام داشته است. و - شعبه چهارم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۷۹۱/۸۲ موضوع شکایت آقای عبدالله بهرامی به طرفیت، دیوان محاسبات کشور به خواسته نقض رأی هیأت سوم مستشاری به شرح دادنامه شماره ۳۰۴۶ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۷ و با توجه به اینکه آراء و تصمیمات قضایی قابل شکایت در دیوان نمی‌باشد، بنابراین قرار رد دادخواست را صادر نموده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

### رأی هیأت عمومی

سایق عبارات ماده ۲۸ قانون دیوان محاسبات کشور و حدود صلاحیت و اختیارات هیأت‌های مستشاری و محکمه تجدید نظر مستقر در آن در باب رسیدگی به تخلفات مالی و تعیین مجازات‌های اداری در موارد منصوص و قابلیت اعتراض نسبت به آراء هیأت‌های مستشاری توسط محکوم علیه یا دادستان در محکمه تجدید نظر مذکور در تبصره آن ماده به عضویت حاکم شرع به انتخاب ریاست قوه قضاییه و دو نفر از مستشاران به عنوان کارشناس و نتیجتاً ماهیت و طبیعت مراجع فوق‌الذکر و نوع وظایف و مسؤولیت‌های آنها مفید انصراف تصمیمات و آراء قطعی مراجع مذکور از مصادیق تصمیمات و آراء قطعی مراجع اختصاصی اداری مقرر در بند ۲ ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری است و با این کیفیت دادنامه‌های شماره ۲۱۱۳ مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۶ شعبه دوم، شماره ۳۰۴۶ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۷ شعبه چهارم، شماره ۱۲۱۱ مورخ ۱۳۸۰/۷/۱۲ شعبه ششم، شماره ۱۱۲۷ مورخ ۱۳۸۰/۷/۱۷ شعبه هفدهم، شماره ۲۹۸۶ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۳ شعبه بیستم که نتیجتاً متضمن صدور قرار رد اعتراض شاکی به لحاظ عدم صلاحیت دیوان در رسیدگی به این قبیل اعتراضات است، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت دوم ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

عدالت اداری - هیأت عمومی دیوان عدالت اداری معاون قضایی دیوان

مقدسی فرد